

کتابی برای تمام فصول؟!

تحلیل کتاب درباره عکاسی

● محمد خدادادی مترجم زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر Mkh.motarjemzadeh@art.ac.ir

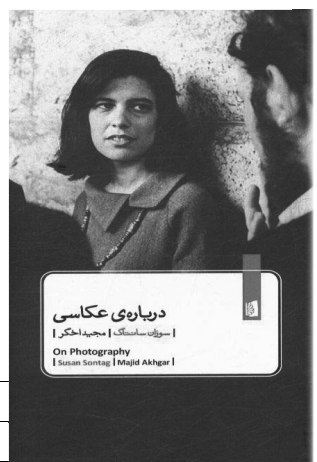
چکیده

این یادداشت انتقادی تلاش می‌کند، کتاب درباره عکاسی را تحلیل و بررسی نماید. ابتدا ویژگی‌های شکلی کتاب، بررسی شده و سپس، به خاستگاه بیرونی آن و دیدگاه انتقادی نویسنده اشاره می‌شود. مطالب فصول به اختصار مطرح شده و ساختار درونی کتاب به تحلیل درمی‌آید و در آخر نیز مواردی درباره ترجمه کتاب یادآوری می‌شود. نگارنده پس از بازبینی کتاب به این نتیجه رسیده است که این اثر، دارای دیدگاهی چندمنظری است. مقاله‌های آن تسلسل ندارند و هر فصل به عنوان مقاله‌ای تقریباً مجزا و مستقل، به ماهیت عکاسی و کارکرد اجتماعی آن پرداخته است. این اثر تاریخ عکاسی را به طور همزمان، طولی و عرضی سنجیده است و منظری چشمگیر از نقش عکاسی در سال‌های دهه ۱۹۷۰م. به دست می‌دهد. همچنین، در اثنای تحقیق مشخص می‌شود که سه مترجم، پنج ترجمه از این اثر را در سال‌های مختلف منتشر کرده‌اند. بر این اساس باید پرسید: آیا جامعه معاصر ایرانی نیازی به ترجمه دوباره این کتاب توسط مترجمان مختلف دارد؟

کلیدواژه: عکاسی، جامعه، فرهنگ، استناد، مدرن، آمریکا

مقدمه

ادبیات عکاسی در دهه ۱۹۷۰م. در آمریکا نقش به سزایی در سامان‌دهی نظریه‌ها و به دست دادن چشم‌اندازی روشن‌تر از گذشته داشته است. ادبیات این دوره، در ترسیم نقش اجتماعی و هنری عکاسی تأثیر مهمی دارد. در این میان، نقش سوزان سونتاک^۱ غیرقابل انکار است. کتاب درباره عکاسی، نوشته سوزان سونتاک آمریکایی (۲۰۰۴-۱۹۳۳م.) با ترجمه مجید اخگر در سال ۱۳۹۷، توسط نشر بیدگل منتشر شده است. این کتاب، ۲۴۰ گرم وزن و ۲۹۶ صفحه دارد و در قطع (حدوداً رُفقی) به ابعاد ۲۰×۱۲ سانتی‌متر



■ سوزان، سونتگ (۱۳۹۷). درباره‌ی عکاسی. ترجمه
مجید اخگر. تهران: بیدگل.

و به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. در صفحه مشخصات، موضوع کتاب به این صورت قید شده است: عکاسی هنری و عکاسی - فلسفه. کتاب با احتساب عکس روی جلد، دارای ۷۵ تصویر سیاه و سفید (عکس و نقاشی - طراحی) است. عکس روی جلد کتاب، روگرفتی از عکس روی جلد نسخه اصلی علیه تفسیر^۲، کتاب دیگر سوزان سونتگ است. این عکس متعلق به باب پیترسون^۳ است که در سال ۱۹۶۶م. گرفته شده است. کیفیت عکس‌های کتاب نه مطلوب، اما قابل بازشناخت است. قیمت کتاب ۳۲۰۰۰ تومان است.

کتاب اصلی در سال ۱۹۷۷م. توسط مؤسسه پنگوئن^۴ منتشر شده است. از سونتگ به عنوان نویسنده، فیلم‌ساز، متفکر، منتقد فرهنگی و فعال سیاسی یاد می‌شود. در فاصله زمانی سال ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۸م. بالغ بر چهل کتاب از او منتشر و تجدید چاپ شده است. این کتاب‌ها موضوعات متنوعی را از بررسی ادبیات، تئاتر، سینما و عکاسی گرفته تا داستان، نقد و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در بر می‌گیرند. تاکنون، کتاب‌های علیه تفسیر، درباره‌ی عکاسی^۵ و در باب رنج دیگران^۶ (نظر به درد دیگران)^۷ از این نویسنده به فارسی ترجمه شده است.

مترجم کتاب، مجید اخگر متولد سال ۱۳۵۳ در کرمانشاه و دارای مدرک کارشناسی تئاتر و کارشناسی ارشد سینما از دانشگاه هنر است که تاکنون دو کتاب را تألیف و چند کتاب را در حوزه فلسفه، نقد و نظریه هنر ترجمه کرده است.^۸

انتشارات بیدگل در تهران واقع شده است و چاپ کتاب‌های فلسفی، ادبی، نمایشی و تصویری، بخش بزرگی از فعالیت‌های این مؤسسه را تشکیل می‌دهد و پیش از این نیز درباره‌ی عکاسی و زمینه‌های مرتبط، چند کتاب منتشر کرده است.^۹

تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف

بی‌اغراق، سوزان سونتگ یکی از مهم‌ترین چهره‌های منتقد و نظریه‌پرداز در حوزه‌های ادبیات و هنرهای نمایشی و تصویری، به‌ویژه عکاسی و سینما است. دوران اوج فعالیت او نیمهٔ دوم قرن بیستم است. با این وصف، نگاه مدرنیستی و همراهی متعارف با مواضع چپ (ضد سرمایه‌داری) بر بیشتر نظریه‌ها و نقدهای او سایه انداخته است. البته، نمی‌توان از تناقض برخی آراء و سیر تطور دیدگاه او در طی زمانی بالغ بر چهل سال به سادگی گذشت. مقاله‌ها و کتاب‌های سونتگ با وجود داشتن موضوع متنوع، در برخورداری از وجهی انتقادی و نگاهی سنجش‌گر به موضوع فرهنگ و هنر و جامعه، وجه اشتراک دارند.

چشم‌انداز و زاویهٔ دید این صاحب‌نظر و منتقد فرهنگی چیست؟ و چگونه می‌تواند برای فرهنگ خودی (ایرانی) مفید باشد؟ شاید در نظر اول، این نویسنده به معنای کامل کلمه فرمالیست به نظر برسد، اما در شیوهٔ تحلیل مسائل و موضوعات مختلف معمولاً از چارچوب فرمی اثر (هر نوع شکل بیانی هنری، رسانه‌ای و اجتماعی) به بیرون اثر، به محیط پدیداری و محیط مصرف‌اثر نیز توجه دارد و درون و بیرون اثر هنری را با هم می‌سنجد. در نتیجه، نمی‌توان او را فرمالیست صرف دانست. از منظری دیگر، براساس نظر خود نویسنده (نک. سونتگ، ۱۳۹۷: ۷) و صاحب‌نظران دیگر، دربارهٔ عکاسی حاصل تجمیع مقاله‌هایی است که در سال‌های منتهی به ۱۹۷۷ م. (سال انتشار کتاب) نوشته شده است. منتقدان فرهنگی (عموماً چپ‌گرای) جامعهٔ آمریکایی در طی این سال‌ها، پس از دورهٔ پراشتهای دههٔ شصت میلادی و ورود آمریکا به مرحلهٔ جدید اقتدار جهانی‌اش، توانسته‌اند به سهم خود، بین سرمایه‌داری افسارگسیخته و تمایل مردم آمریکا و جهانیان به برابری و عدالت در مسیر توسعهٔ پایدار توازن لازم را برقرار کنند.

با این وصف، جالب اینجاست که نویسنده‌ای که نگاه انتقادی او در تمام نوشته‌ها و آثارش به چشم می‌خورد، در جایی دیگر، عمل نقد را مانعی برای درک و لذت خوانندهٔ اثر (در حوزهٔ ادبیات و داستان) تلقی می‌کند و تحلیل انتقادی را آلوده‌کنندهٔ اثر هنری می‌داند. (نک. گرین، ۱۳۸۳: ۱۸). وجود همین تناقض در برخی آرای او در کتاب دربارهٔ عکاسی، اعتبار دوجندانی به تحلیل‌ها می‌دهد و در عین حال، در نتیجه‌گیری ابهام پدید می‌آورد، اما در نهایت، ذهن مخاطب را به‌سوی زمینهٔ شکل‌گیری جریان‌ها و تأثیرات عکاسی بر جامعه و توجه به پیرامتن‌ها جلب می‌کند. مقاله‌های کتاب هرچند از نظر عنوان و مضمون، پیوستاری یک‌پارچه را پدید نمی‌آورند، روایتگر تاریخ عکاسی از منظرهایی مهم هستند. سونتگ با چیدمان فصل‌های کتاب، روش‌شناسی خاص خود را ارائه می‌کند. او بیش از آن که خود را وامدار تاریخ و جبر تاریخی در داستان عکاسی بداند، این طومار پیچیده را در زمان حال (اکنون) خود باز می‌کند. از این جهت، کار او بیشتر تبارشناسی در هستی‌شناسی عکاسی است. او از زمان حال به گذشته می‌رود و بازمی‌گردد و این کار را تقریباً در

هر شش مقاله کتاب از منظرهای متفاوت تکرار می‌کند. هرچند خواننده با مطالعه مطالب کتاب می‌تواند، نوعی سیر تاریخی را در اشاره‌ها و استدلال‌های کل مطالب آن بیابد، تکرار برخی اسامی یا جریان‌ها و عکس‌ها در هر فصل، چشم‌انداز موردنظر نویسنده را برای مخاطب ترسیم می‌کند. از سویی دیگر، عناوین مختلف و شاید بی‌ارتباط فصل‌ها (مقاله‌ها) به یکدیگر، از ماهیت نگارش غیریپوسته آن‌ها و تنوع منظرها حکایت می‌کند (نک. سونتاک، ۱۳۹۷: ۷).

مترجم کتاب یادآوری می‌کند: «سانتاک نیز در درجه اول درمورد آمریکا می‌نویسد. درواقع، کتاب درباره عکاسی را می‌توان از یک منظر نوعی تاریخ انتقادی آمریکا دانست که از مجرای عکاسی به تحولات فرهنگی و شیوه نگاه جامعه آمریکا از اوایل سده بیستم تا انتهای دهه هفتاد می‌نگرد» (همان: ۲۹۱). در جایی دیگر، در سال ۱۹۸۰م. تنها سه سال پس از انتشار کتاب سونتاک، جان برجر در کتاب درباره نگرستن، مقاله‌ای را با عنوان «کاربردهای عذاب» به مناظره دیدگاه‌های خود و سونتاک درباره کارکردها و ماهیت عکاسی اختصاص داده و برخی از عقاید او را به چالش می‌کشد. او معتقد است، اگرچه عکس‌ها برای به تصویر کشیدن یک بحث و یا اندیشه‌ای خاص عموماً به صورت خطی مورد استفاده قرار می‌گیرند، حافظه‌ای عملکردی و نه خطی، بلکه شعاع‌وار دارند. به این معنی که تعداد عظیمی از تداعی‌ها به رویدادی واحد منتهی می‌شود (نک. برجر، ۱۳۷۷: ۸۵) و نتیجه می‌گیرد: «اگر ما می‌خواهیم عکسی را به متن تجربه، تجربه اجتماعی، حافظه اجتماعی برگردانیم، باید قوانین حافظه را محترم بداریم» (همان: ۸۶).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۸

۱۷۶

ساختار درونی و متن کتاب

مطالب هر فصل (مجموعه نام‌ها، آثار هنری، عکس‌ها، جریان‌های فرهنگی، هنری و سیاسی و ...) به قدری زیاد است که نمی‌توان آن‌ها را در جایی جمع‌آوری کرد. به‌ویژه آن که بعضی از آن‌ها در فصول دیگر نیز تکرار می‌شوند. با این وصف، نگارنده با نگاهی کلی‌نگر و صرفاً جهت دوره کردن مطالب هر فصل و با هدف یافتن سرخ‌هایی از متن و مضامین خاص در مسیر فهم محتوای فصول، این مضامین را برجسته‌تر دیده است:

فصل اول کتاب با عنوان «در غار افلاطون»، قابلیت استنادی و ارجاعی عکس و عکاسی، دروغ و راستی آن‌را به بحث می‌گذارد و دوربین را به مثابه اسلحه‌ای برای شکار به فروش می‌رساند (نک. سونتاک، ۱۳۹۷: ۲۴). البته تناقض‌گویی واضحی در برخی عبارات او نیز به چشم می‌خورد؛ او عکاسی را اساساً کُنشی حاکی از عدم مداخله مطرح می‌کند و دو صفحه بعد می‌گوید: «عکس گرفتن از آدم‌ها در حکم تعدی به آن‌هاست... عکس گرفتن از یک شخص نیز شکل والایش یافته قتل اوست» (همان: ۲۵).

فصل دوم کتاب با عنوان «چنان‌که از میان عکس‌ها دیده می‌شود، به تیرگی»

همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، نگاهی تیره و تار از دوران‌های سخت در آمریکای قرن بیستم را توسط رسانه عکاسی به تصویر می‌کشد. دهه سی: بحران اقتصادی، دهه چهل: جنگ دوم جهانی، دهه پنجاه: جنگ سرد و مبارزه با کمونیسم، دهه شصت: به بهانه اعتراض و سهم خواهی جوانان ضد جنگ و دهه هفتاد: با موضوع سرخوردگی و خستگی از فشار دهه‌های پیشین و نوعی دهن کجی اجتماعی (نک. همان: ۵۸). سونتاک دقیقاً در همین سال‌ها کتاب خود را جمع می‌کند و شاید بتوان ریشه نگاه منفی و انتقادی او را به جامعه و فرهنگ آمریکایی، در قرابت او و سال‌های دهه هفتاد یافت.

فصل سوم کتاب با عنوان «اشیاء مالیخولیایی» یک فصل چند وجهی است. از یک منظر، به تاثیری سازی سوررئالیستی امر واقعی و از منظری دیگر، به کارکرد اشیاء در هنرهای زیبا و اشیاء موجود در خیابان و در کنار آن، مستندنگاری در آمریکا و بازگویی داستان آمریکا در قالب قیام مدرنیستی می‌پردازد. در آخر نیز اذعان می‌کند که: «عکس‌ها بیهودگی تلاش برای حتی فهم جهان را نشان می‌دهند و در عوض پیشنهاد می‌دهند که آنان را چون کلکسیونی گردآوری کنیم» (همان: ۱۱۴).

فصل چهارم کتاب با عنوان «وجه قهرمانی دیدن» موضوع تبدیل عکاس به قهرمان عصر جدید را پیش می‌کشد و در تقابل با آن، به بحث درباره تقدس بخشی به زندگی روزمره می‌پردازد. از سویی، الگوهای انتزاعی عکاسی در آثار استرنده^{۱۱}، وستون^{۱۲}، اجرتون^{۱۳} و وایت^{۱۴} را طرح می‌نماید و از سوی دیگر، تأثیرهای دیدگاه مدرنیستی و نقاشی را بر عکاسی برمی‌شمارد و تأثیر باوهاوس^{۱۵} را بر این موضوع می‌کاود. او باز در این فصل در میان بحث‌های مربوط به فرم و انتزاع، موضوع آمریکا را پیش می‌کشد و در پایان فصل، اذعان می‌کند که بسیاری از عکاسان حرفه‌ای، ایدئولوژی امانیستی را جایگزین توجیهات فرمالیستی کرده‌اند، چون سردرگمی آنان میان حقیقت و زیبایی نهاده در عکاسی را پنهان می‌کند (نک. همان: ۱۵۰).

فصل پنجم کتاب با عنوان «انجیل‌های عکاسی» از بزرگان عکاسی یاد کرده و مسیر جد و جهد قهرمانانه و ریاضت کشی و همچنین، پذیرش عرفانی جهان توسط آنان را توصیف می‌کند. این فصل اشاره‌ای مهم نیز به عکس گرفتن^{۱۶} و عکس ساختن^{۱۷} دارد. در این مسیر، برخی از فتواهای ماهیت‌شناسانه را طرح می‌کند: عکاسی رابطه‌ای تجاوزگرانه با جهان دارد و ستایشگر نفس است، یورش به واقعیت و تسلیم شدن در برابر واقعیت (نک. همان: ۱۶۲). همچنین رجعت به سنت‌های گذشته عکاسی را در عصر حاضر، رویکردی گریزناپذیر تلقی می‌کند. یکی از موارد مهمی که در این فصل مطرح می‌شود، عبارت است از: فقیر بودن زبان عکاسی، به‌ویژه فقدان یک سنت غنی در حوزه نقد عکس (نک. همان: ۱۸۱). نویسنده در اواخر فصل تذکر می‌دهد که همواره نقاشان از عکاسان کمک گرفته‌اند، اما کسی انتظار ندارد عکاسان از نقاشان کمک گیرند و در آخر نتیجه می‌گیرد: «حالا باید گفت: تمامی هنرها سودای عکاسی

در سر دارند» (نک. همان: ۱۹۴).

در فصل ششم با عنوان «جهان تصویر»، نویسنده باز از قرن نوزدهم آغاز می‌کند و به جامعه مدرن می‌رسد. از دیدگاه او جامعه زمانی مدرن می‌شود که یکی از مشغله‌های اصلی آن، تولید و مصرف تصویر باشد. در ادامه به بحث اصل و کپی، تصویر چیزی و خود آن چیز می‌پردازد. او در این فصل به جامعه سرمایه‌داری می‌تازد و جمله معروف خود را می‌گوید: «جامعه سرمایه‌داری به فرهنگی مبتنی بر تصاویر احتیاج دارد... دوربین‌ها واقعیت را به دو شکل تعریف می‌کنند: به‌عنوان یک نمایش (برای توده مردم) و به‌عنوان موضوع نظارت (برای حاکمان)» (همان: ۲۲۶). در آخر این فصل نتیجه می‌گیرد که توانایی‌های عکاسی، فهم ما از واقعیت را غیرافلاطونی کرده‌است (نک. همان: ۲۲۸). شروع اولین مقاله کتاب با افلاطون بود و آخرین مقاله نیز به افلاطون می‌رسد.

فصل هفتم با عنوان «گزیده مختصری از نقل‌قول‌ها» ادای دینی به والتر بنیامین^{۱۷} است و همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، نقل عبارات صاحبان اندیشه درباره عکاسی، اعم از عکاس و غیرعکاس است.

بخش آخر کتاب با عنوان «تأملاتی درباره ماهیت تاریخی تصویر فوتوگرافیک» توسط مترجم کتاب (مجید اخگر) به متن افزوده شده‌است. به نظر می‌رسد، مترجم با این مقاله سعی داشته ضمن گفت‌وگویی یک‌طرفه با سونتگ، خصیصه‌ها و درک سرنوشت عینی تصاویر فوتوگرافیک را تبیین کند (نک. همان: ۲۹۳). همان کاری که در ترجمه دیگر این کتاب توسط نگین شیدوش (۱۳۸۹) صورت گرفت، اما او متنی از جان برجر^{۱۸} را با عنوان کاربردهای عکاسی^{۱۹}، ترجمه و به انتهای کتاب افزوده‌است. متن برجر نیز شبیه به گفت‌وگویی یک‌طرفه است. او در این متن کلام خود را با نقل‌قول‌های سونتگ همراه کرده‌است (نک. سونتگ، ۱۳۸۹: ۳۹۹). وجود این افزوده در دو ترجمه از دو مترجم و متن خود جان برجر، بر ضرورت توضیح اضافی برای این نوشتار دلالت می‌کند. امری که مترجم سوم (فرزانه طاهری) آن را ضروری ندانسته‌است.

با توجه به این که متن کتاب اصلی فاقد عکس بوده‌است (نک. همان: ۷)، وجود عکس‌های متنوع و متفاوت که توسط دو مترجم به متن کتاب افزوده شده‌است، از این موضوع مهم حکایت می‌کند که فهم مطالب کتاب همراه با عکس‌های شاهد متن، ساده‌تر و یا عمیق‌تر می‌شود. البته اولین متن ترجمه‌شده در قالب مقاله‌های پیوسته در مجله عکس فاقد عکس است. لازم به ذکر است، کتاب موضوع نقد، عکس‌هایی را از سال‌های پس از مرگ سونتگ نیز ارائه کرده‌است (نک. سونتگ، ۱۳۸۹: ۲۷). شاید معنی این کار این است که برخی از آموزه‌های سونتگ پس از سی سال، کماکان قابلیت تعمیم به نموده‌های معاصر عکاسی را دارد.

کتاب درباره عکاسی برای نخستین بار توسط فرزانه طاهری ترجمه شده

و به شکل مقاله‌های پیوسته در ۱۰ شماره مجله عکس از اسفند ۱۳۷۴ تا آذر ۱۳۷۵، بدون هیچ افزوده‌ای انتشار یافته‌است. مزیت کار طاهری در ترجمه ساده متن است. او به متن اصلی وفادار مانده و از عکس برای همراهی با متن استفاده نکرده‌است. در مقدمه نخستین مقاله از ده مقاله مجله، مترجم اذعان می‌کند: «تاکنون چند تن از مترجمان کشورمان دست به ترجمه کتاب زده‌اند، اما به دلایل نامعلومی هرگز این ترجمه‌ها پا به مرحله نشر نگذاشته‌است. شیوه نگارش کتاب پیچیده و دشوار است...» (سونتاگ، ۱۳۷۴: ۶۱).

ظاهراً دومین ترجمه کتاب، توسط نگین شیدوش در سال ۱۳۸۹ انجام شده و انتشارات حرفه نویسنده در تهران آن را منتشر کرده‌است. ترجمه شیدوش با توجه به تحصیل او در رشته عکاسی از بیان مناسب‌تر مفاهیم عکاسانه برخوردار است. عکس‌های شاهد متن نیز در کتاب او در بیشتر موارد، می‌تواند خواننده را به مفاهیم و نمونه‌های مورد نظر نویسنده آشنا تر کند.

در ترجمه سوم (کتاب مورد بررسی) نیز عکس‌های شاهد متن وجود دارد. البته، عکس‌های این کتاب با کتاب شیدوش متفاوت است؛ چه بسا که مترجم از عکس‌هایی مربوط به سال‌های پس از انتشار کتاب (۱۹۷۷م) و حتی سال‌های پس از مرگ نویسنده استفاده کرده‌است (نک. سونتاگ، ۱۳۹۷: ۲۷). ترجمه کتاب در نگاه کلی نگر، شاید صحیح باشد، اما ساده و صریح نیست. نگارنده بر این باور است که مترجم می‌توانست، بسیاری از جمله‌ها را ساده‌تر ترجمه و ترکیب نماید؛ برای نمونه، به ترجمه سه‌گانه اولین جمله در متن اصلی^{۲۰} اشاره می‌شود:

- طاهری: «نوع بشر بی‌هیچ تحرکی در غار افلاطونی نشسته‌است و بنابه عادت دیرین، فقط دل به تصاویر حقیقت خوش کرده‌است» (سونتاگ، ۱۳۷۴: ۶۱).
- شیدوش: «نوع بشر سال‌ها است که سرخوشانه در غار افلاطون به زندگی ادامه می‌دهد؛ سرخوش از عادت قدیمی خود، در تصاویری صرف از حقیقت» (سونتاگ، ۱۳۸۹: ۱۹).

- اخگر: «آدمی کماکان بدون سرافکندگی در غار افلاطون به سر می‌برد و بنابه عادت دیرین، با صرف تصاویری از حقیقت شادمان است» (سونتاگ، ۱۳۹۷: ۹).
درواقع، سه مترجم عبارت‌های «بی‌هیچ تحرکی»، «سرخوشانه» و «سرافکندگی» را از یک کلمه یا عبارت اصلی ترجمه کرده‌اند، در حالی که این واژه‌ها مترادف و هم‌معنی نیستند و شاید هیچ‌گاه نتوانیم، به غایت معنای مورد نظر نویسنده اصلی دست یابیم، (البته اگر چنین غایتی وجود داشته باشد). اما کدام یک از این عبارت‌ها صحیح‌تر و یا به منظور سوزان سونتاگ نزدیک‌تر است؟!۱

نتیجه‌گیری

شاید هیچ روشی برای بیان پراکندگی و تفکر چندوجهی و ابعاد متنوع پدیده‌ای اجتماعی چون عکاسی در جامعه آمریکایی دهه هفتاد میلادی، بهتر از خود پراکنده‌نویسی نباشد؛ کتابی که بیش از چهار دهه پیش، مطابق با ضرورت زمان خود و بر اساس ادبیاتی که در آن سال‌ها در جامعه آمریکایی رایج بود، فصل به فصل نوشته و منتشر شده‌است. به‌درستی نمی‌دانیم که آیا مقاله‌ها به‌ترتیب زمانی منتشر شده، نوشته شده‌اند یا نه؟ از آنجایی که مطالب اغلب فصل‌ها با هم اشتراک موضوع یا معنی دارند، بسیاری از فصل‌ها را می‌توان جابه‌جا نمود، بدون آن که درون‌مایه اصلی کتاب تغییر کند. از این جهت، این اثر بیشتر یک مجموعه مقاله یا یک متن پیوسته است که هر فصل، نقش خود را متناسب با سایر فصل‌ها ایفا می‌کند.

نگارنده عمیقاً معتقد است که شخصیت و نوشته‌های سونتگ، دارای پیچیدگی‌های خاصی است که خواسته و ناخواسته و به‌رغم تلاش مترجمان برای درک منطقی متن توسط مخاطب، به ترجمه‌های فارسی نیز راه یافته‌است. در مقایسه‌ای که بین سه ترجمه این اثر انجام شده‌است، بی‌اغراق ترجمه مجید اخگر صحیح‌ترین و درعین‌حال، سخت‌ترین آن‌ها است. در متون ترجمه‌شده، فهم متن نسبی حساس با ساده‌نویسی و صحیح‌نویسی دارد. استفاده از عبارت‌های پیچیده یا کلمات و ترکیباتی که چندان در نگارش معمول نیست، نمی‌تواند به بار معنایی مفهوم اصلی چیزی بیافزاید، بلکه فهم خواننده را به تعویق می‌اندازد، یا آن را به فهم جمله‌ها و پاراگراف‌های دیگر وابسته می‌کند. درعین‌حال، ترجمه برخی از عبارت‌ها در کتاب نیز بسیار عجیب می‌نماید.^{۲۱} هر مخاطب و خواننده‌ای می‌تواند برحسب علاقه و تخصص خود به تناوب و بنابر ضرورت، در طی سال‌های مختلف به ترجمه متنی خاص مانند کتاب سونتگ رجوع کند و هربار (شاید) رهیافت جدیدی از مطالب آن بیابد، اما مخاطب امروزی در مواجهه همزمان با سه ترجمه حاضر^{۲۲} از چنین متنی، چه تکلیفی دارد؟ چگونه می‌توان تفاوت‌های این متون را توجیه کرد؟ آیا وجود سلیقه‌های متفاوت در ترجمه، می‌تواند تنها پاسخ منطقی باشد؟!

هرچند در کتاب سونتگ نکات مهم و ارزنده‌ای از عملکرد عکاسی در سال‌های میانی قرن بیستم آمده و حتی برخی دیدگاه‌های او توانسته‌است، تفکر و نظریه‌های سال‌های بعد در عکاسی را پیش‌گویی کند، نگارنده درباره ضرورت و فایده تکرار دیدگاه‌های سونتگ در غالب ترجمه مکرر یک کتاب واحد، در جامعه عکاسی تردید دارد.

پی‌نوشت

1. Susan Sontag

2. Against interpretation

3. Bob Peterson

4. Penguin

۵. چند ترجمه فارسی از کتاب درباره عکاسی موجود است:

- سونتاگ، سوزان (اسفند ۱۳۷۴ تا آذر ۱۳۷۵). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ فرزانه طاهری. مجلهٔ عکس. ۱۰ شماره.
 _____ (۱۳۸۹). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ نگین شیدوش. تهران: حرفهٔ نویسندگان.
 _____ (۱۳۹۰). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: حرفهٔ هنرمندان، نظر.
 _____ (۱۳۹۳). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: نظر.
 _____ (۱۳۹۷). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ فرزانه طاهری. تهران: آبان.
 _____ (۱۳۹۷). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: بیدگل.

فصلنامهٔ نقدکتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شمارهٔ ۶
 تابستان ۱۳۹۸

۱۸۱

6. Regarding the Pain of Others, 2003

۷. دو ترجمه از این کتاب منتشر شده است:
 سونتاگ، سوزان (۱۳۹۴). نظر به درد دیگران. ترجمهٔ احسان کیانی خواه. تهران: گمان.
 _____ (۱۳۹۷). تماشای رنج دیگران. ترجمهٔ زهرا درویشیان. تهران: چشمه.
 ۸. کتاب‌های این نویسنده عبارت است از:
 اخگر، مجید (۱۳۹۱). کتاب فانی و باقی (درآمدی انتقادی بر مطالعهٔ نقاشی ایرانی). تهران: حرفهٔ هنرمندان.
 _____ (۱۳۹۶). بازیابی امر محسوس (هفت گفتار در زیبایی‌شناسی هنر). تهران: بیدگل.
 - برخی از کتاب‌های ترجمه‌شده توسط این نویسنده عبارت است از:
 بورگر، پیتر (۱۳۸۶). نظریهٔ هنر آوانگارد. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: مینوی خرد.
 سونتاگ، سوزان (۱۳۹۳). علیه تفسیر. مجید اخگر. تهران: بیدگل.
 ناکلین، لیندا (۱۳۹۴). بدن تکه تکه شده (قطعه به مثابهٔ استعاره‌ای از مدرنیته). ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: حرفهٔ هنرمندان.
 ولز لیز (ویراستار) (۱۳۹۳). نظریهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: سمت.
 سونتاگ، سوزان (۱۳۹۰). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: حرفهٔ هنرمندان - نظر.
 _____ (۱۳۹۳). دربارهٔ عکاسی. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: نظر.
 _____ (۱۳۹۷). دربارهٔ عکاسی. مجید اخگر. تهران: بیدگل.
 ۹. برای نمونه می‌توان این کتاب‌ها را نام برد:
 کریم مسیحی، یوریک (۱۳۸۹). در جهت عکس. تهران: بیدگل.
 _____ (۱۳۹۴). عکس و دیدن عکس، ما از عکس چه می‌گیریم. (چ دوم). تهران: بیدگل.
 _____ (۱۳۹۵). نگاهم کن، خیالم کن، هفده جستار دربارهٔ عکس. تهران: بیدگل.
 سونتاگ، سوزان (۱۳۹۳). علیه تفسیر. ترجمهٔ مجید اخگر. تهران: بیدگل.

10. Paul Strand

11. Edward Weston

12. Harold Edgerton

13. Minor White

14. Bauhaus

15. Tacking

16. Macking

17. Walter Benjamin

18. John Berger

۱۹. این متن با عنوان «کاربردهای عکس»، پیش‌تر در قالب فصلی از کتاب زیر ترجمه شده بود:

برجر، جان (۱۳۷۷). دربارهٔ نگریستن. ترجمهٔ فیروزه مهاجر. تهران: آگه.

20. Humankind liners unregenerately in Plato's cave, still reveling, its age-old habit, in mere images of the truth (Sontag, 1977, 3).

۲۱. برای نمونه این عبارت: «عکس‌ها می‌توانند به مستقیم‌ترین و فایده‌گرایانه‌ترین شکل امیال برانگیزند، مانند زمانی که کسی تصویر نمونه‌های ناشناسی از موجودات دلخواهش را به‌عنوان مددکارِ استمناء جمع‌آوری می‌کند» (سونتاگ، ۱۳۹۷: ۲۷).

۲۲. نسخه ترجمه‌شده توسط فرزانه طاهری در سال ۱۳۹۷، به‌صورت کتاب توسط انتشارات آبان منتشر شده‌است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

منابع

برگر، جان (۱۳۷۷). درباره نگریستن. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آگه.

سونتاگ، سوزان (۱۳۹۷). درباره عکاسی. ترجمه مجید اخگر. تهران: بیدگل.

_____ (۱۳۸۹). درباره عکاسی. ترجمه نگین شیدوش. تهران: حرفه نویسنده.

_____ (۱۳۷۴). درباره عکاسی. ترجمه فرزانه طاهری. مجله عکس. اسفند ۱۳۷۴ تا

آذر ۱۳۷۵.

گرین، ویلفرد و دیگران (۱۳۸۳). مبانی نقد ادبی. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر.

Sontag Susan, 1977, On Photography, London: Penguin.

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۸

۱۸۲